

زنان، خانواده، فرزند آوری در تقویت جایگاه مادری

ناهید جاویدی آل‌سعیدی^۱، سید علی موسوی‌نسب^{۲*}

۱- کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور فسا، فسا، ایران.

Nahidjavidi96@gmail.com

۲- استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الهیات، دانشگاه پیام نور فسا، فسا، ایران. (نویسنده مسئول)

Seyedali770@pnu.ac.ir

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۲/۶/۲۶]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۲/۳/۱۲]

چکیده

یکی از اساسی‌ترین نیازهای هر جامعه‌ای برای بقای خود تولید نسل است. و موضوع زن، به‌عنوان بدنه‌ای از جامعه انسانی، به همان پایه، قابل‌بررسی و ژرف‌نگری است که انسان، شایسته شناخت و بررسی است و هرگونه تحلیل و بررسی ابعاد حیات زن، منهای ویژگی‌های صنفی و جنسی، در واقع، تحلیل حیات انسان به شمار می‌آید. از این رو شناخت زن و منزلت و مقام او در حقیقت، شناخت انسان و کرامت اوست. این نیز تردیدناپذیر است که شناخت انسان از خود، معیار دیگر شناخته است. با توجه اینکه، نیمی از جمعیت جوامع را زنان تشکیل می‌دهند و در عرصه‌های مختلف جامعه، اعم از خانواده و تربیت کودکان که زیربنای اساسی جامعه است در خانواده به وی سپرده شده پرداختن به مسائل زنان به‌منزله سرمایه‌های اجتماعی و انسانی از ضروری‌ترین نیازهای جامعه بشری است. اگر زنان از ازدواج و فرزندآوری دوری کنند جمعیت روند کاهشی به خود می‌گیرد و نسل انسانی در معرض خطر انقراض قرار می‌گیرد. در این پژوهش زنان، خانواده، فرزند آوری و تقویت جایگاه مادری از منظر قرآن کریم با روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی تحلیلی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که توجه به خصوصیات آفرینشی زن، عدالت جنسیتی و امنیت اجتماعی زنان در جامعه می‌تواند نقش مهمی در فرزندآوری و خانواده داشته باشد و متقابلاً مهم‌ترین مانع پیروی از تفکر فمینیستی است که می‌تواند باعث از بین رفتن نقش مادری و فرزندآوری شود.

واژگان کلیدی: زنان، خانواده، فرزندآوری، تقویت جایگاه مادری، تفکر فمینیستی.

۱- مقدمه

فطرت اولیه زن به خاطر وظیفه مادری و شوهرداری و صفا بخشیدن به زندگی زناشویی و تشکیل خانواده و نیز از خودگذشتگی در راه زندگی خانوادگی سرشته شده است. از منظر قرآن کریم مال و فرزندان دو رکن اصلی سرمایه‌های زندگی و قدرت انسان «المال و البنون زینه الحياه الدنيا» و زیرساخت دو مؤلفه مهم نیروی اقتصادی و نیروی انسانی به‌عنوان تعیین‌کننده اقتدار هر جامعه و کشور به شمار می‌آید. در این پژوهش به بررسی عواملی که می‌تواند نقش مهم در فرزندآوری و جایگاه مادر در خانواده داشته باشد از جمله توجه به روحیات آفرینشی زن، عدالت جنسیتی و امنیت اجتماعی زنان در جامعه نام برد و در مقابل آسیب‌پذیری از تفکر فمینیستی که می‌تواند باعث از بین رفتن نقش مادری و فرزندآوری شود پرداخته شده است.

۱-۱- عوامل مهم در نقش مادری و فرزندآوری

الف) توجه به روحیات آفرینشی زن

موضوع زن، به‌عنوان بدنه‌ای از جامعه انسانی، به همان پایه، قابل‌بررسی و ژرف‌نگری است که انسان، شایسته شناخت و بررسی است و هرگونه تحلیل و بررسی ابعاد حیات زن، منهای ویژگی‌های صنفی و جنسی، درواقع، تحلیل حیات انسان به شمار می‌آید. از این رو شناخت زن و منزلت و مقام او در حقیقت، شناخت انسان و کرامت اوست. این نیز تردیدناپذیر است که شناخت انسان از خود، معیار دیگر شناخت‌هاست. به این جهت انسان به‌عنوان نخستین گام در شناختوری، به ضرورت باید به ژرف‌نگری و کاوشگری در خویشتن بپردازد و از ژرفای بی‌کرانه خویش، آگاهی‌هایی دست آورد. پس مطالعه در احوال زن و بررسی ابعاد حیات این بخش از جامعه انسانی، گامی در راستای انسان‌شناسی عمومی است. ۱. آفرینش زن، در آفرینش در بعد روحی و جسمی، از همان گوهری آفریده شده که مرد آفریده شده است و هر دو جنس در جوهر و ماهیت، یکسان و یگانه‌اند و تمایز و فرقی در حقیقت و ماهیت میان زن و مرد نیست.

ب) عدالت جنسیتی

اسلام بر جداسازی نقش‌های جنسیتی تأکید دارد و عملاً بین ارزش‌های زنانه و مردانه تفاوت قائل شده است. در فرهنگ دینی باوجود اینکه زن چون مرد موجودی ارزشمند و کمال یافته است که قابلیت دستیابی به برترین مراتب کمال را داراست به دلیل تفاوت‌های طبیعی و انتظارات ویژه‌ای که خداوند از هر یک از دو جنس دارد ارزش‌های حاکم بر رفتار زنان تا حدودی با ارزش‌های مردانه متفاوت است و همین اختلاف در ارزش‌ها زمینه کارآمدی ویژه‌ای را فراهم می‌سازد اسلام ارزش‌های بسیاری برای مردان شمرده است که از آن جمله از حمایت اقتصادی از عائله و توسعه رفاه آنان تربیت درست فرزندان و آموزش دادن مهارت‌ها به آنان، می‌توان نام برد (حر عاملی، ۱۳۸۵). چنان‌که زنان را نیز به ایفای هرچه بهتر نقش مادری و همسری در قالب دلسوزی و عاطفه‌ورزی با فرزندان، رعایت عفاف، تواضع و آراستگی در برابر همسر، انجام کارهای خانگی، حفظ اموال خانواده و حسن ارتباط جنسی با همسر فراخوانده است. توجه به ارزش‌های زنان و مردان هم در اصلاح ذهنیت‌ها نسبت به ارزشمندی شخص و سعادت‌مندی آن‌ها کمک می‌کند و هم می‌تواند امکانات ویژه‌ای را برای هر جنس به‌منظور دستیابی به ارزش‌های مطلوب فراهم سازد. به‌عنوان مثال اگر حضور زن در خانواده به‌مثابه مادر و همسر ارزشمند باشد لازم است الگوی اشتغال به‌گونه‌ای طراحی شود که کار زن در خانواده را با تهدید روبرو نسازد (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸).

پ) امنیت اجتماعی زنان در جامعه

مقوله‌ی امنیت، یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسانی برای حیات، پیشرفت و تکامل است و از مهم‌ترین اقسام امنیت، امنیت اجتماعی است که در سایه‌ی آن، جوامع بشری می‌توانند به رشد و شکوفایی دست پیدا کنند. از عواملی که می‌تواند در امنیت زنان نقش داشته باشد، مسئله فرزندآوری وی بعد از ازدواج است. غرض مهم تشکیل خانواده از دیرباز تاکنون تولیدمثل بوده و هست بنابراین همواره یکی از کارکردهای اساسی و پراهمیت نهاد خانواده کارکرد تولیدمثل و یا بازتولید نسل انسان است بنابراین از مهم‌ترین علتی که انسان‌ها را به سمت و سوی ازدواج و تشکیل خانواده می‌کشاند علاقه و احساس نیاز به بقای نسل است که این امر را می‌توان در علاقه مدام انسان به جاودانگی و حب ذات وی دانست. جنس انسان همواره به دنبال رمز و راز جاودانگی بوده است و زمانی که از خلود و وجود و زندگی دائم در این دنیا ناامید شد وجود خود و بقا و جاودانگی خود را در نسلش می‌بیند. در حقیقت فرزندخواهی میلی فطری و طبیعی انسان است هرچند انگیزه‌های مردم در تقویت آن متفاوت است. به‌طور مثال در جامعه‌ی عشیره‌ای فرزند به‌عنوان یک قدرت مهم و نیروی کار محسوب می‌شده است؛ بعضی دیگر فرزند را به خاطر کمک‌کار و یاور بودن در زمان پیری و درماندگی می‌خواهند و دسته‌ی دیگر فرزند را ادامه وجود خود می‌دانند و بقای خود را پس از مرگ در وجود فرزند می‌دانند و این اندیشه‌ای است که سبب آرامش آن‌ها خواهد شد.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

واژه فمینیسم به معنای زن است. این واژه لغتی فرانسوی است و برای کیفیات زنانه به کار رفته است. واژه فمینیسم در سال ۱۸۳۷ وارد زبان فرانسه شده است (میشل، ۱۳۸۳). از بعضی نقل شده است که واژه فمینیسم اولین بار در سال ۱۸۷۱ در یک متن پزشکی برای توضیح یک نوع بیماری جنسی در مردان که دارای خصایص زنانه بوده‌اند به کار رفته است (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۲). در همان دوران یک نویسنده فرانسوی این واژه را برای توصیف زنانی به رفتار مردانه به کاربرد (همان). در زبان فارسی به معنای «زن‌گرایی» «زن-وری» است (معصومی، ۱۳۸۷) که گاه جنبش‌های سازمان‌یافته برای احقاق حقوق زنان و گاه به نظریه‌ای که به برابری زن و مرد از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی معتقد است معنا کرده‌اند (نجم‌آبادی، ۱۳۷۴). فرهنگ‌های لغت «فمینیسم» را نهضت طرفداری از حقوق سیاسی و اجتماعی زنان تعریف کرده‌اند (انوری، ۱۳۸۲).

فمینیسم از جهت مفهومی، به معنای تقابل بین زن و مرد است؛ همچنان که معنای لغوی فمینیسم، طرفداری از جنس مؤنث به‌عنوان راهکاری جهت مقابله با موقعیت مرد نهفته است. با این نگاه، فمینیسم؛ ستیز ابدی بین دو جنس خواهد بود. فمینیسم همچنین واژه مادری را نیز به خطر انداخته‌اند. تعریف و ارزش مادری یکی از بحث‌هایی است که بخشی گسترده از اندیشه‌های فمینیستی را به خود اختصاص داده است، اما موضوعات مربوط به مادری همواره برای فمینیست‌ها موضوعات دشواری بوده است زیرا آنان را در میان مجموعه‌ای از بحث‌های ایدئولوژیکی، بیولوژیکی و ساخت اجتماعی مادری گرفتار می‌سازد ازاین‌رو به نظر می‌رسد بحث‌های فمینیستی درباره مادری با نوعی تضاد و دوگانگی روبرو است و موضوع مادری یکی از موضوعاتی است که باعث انشعاب فمینیست‌ها می‌شود (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸). از نظر بسیاری از فمینیست‌ها وظایف والدین در قبال فرزندان در درون مفهوم مادری گنجانده می‌شود و مفهوم پدری از یاری و حمایت کلی حکایت دارد ازاین‌رو زنانی که از بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند و درنهایت باید عذرخواهی یا احساس گناه و سرخوردگی کنند (بستان، ۱۳۸۵).

از نگاه برخی فمینیست‌ها مادری یکی از ابزارهای جامعه پدرسالار برای ستم به زنان است آن‌ها عقیده دارند که ایفای نقش والدینی موضوعی فارغ از جنسیت است که هم والدین و هم جایگزین‌های آن‌ها می‌توانند آن را بر عهده گیرند آنان مادری را نقشی ظالمانه می‌دانند که زنان را به دام می‌اندازد تا آنان را به بردگی در خدمت جامعه پدرسالار تبدیل کند باوجوداین امروزه دانشمندان برجسته براین مسئله تأکید دارند که رابطه مبتنی بر دل‌بستگی کودک به مادر خود سنگ بنای شخصیت اوست.

دگرگونی در ساختار خانواده و سوق دادن زنان به مشاغل عمومی و تضعیف نقش ویژه مادران در نهاد خانواده از اصول برنامه‌های بیشتر فمینیست‌ها است و عقیده سیمون دوبوار آنچه زن را در قید بندگی نگه می‌دارد دو نهاد عمده ازدواج و مادری است وی نظام خانواده را و پرورش انسان‌های سالم را به شدت کانون حمله قرار داده است و ازدواج را نوعی «فحشای عمومی» و عامل بدبختی زنان دانسته است و مخالفت با تولیدمثل و شکل رایج روابط جنسی را مسائل اساسی جنبش فمینیستی تلقی کرده است (انوری، ۱۳۸۲).

به این نکته توجه کرد که برخی صاحب‌نظران فمینیست، نه تنها با مادری مخالف نیستند و از آن تجلیل می‌کنند، بلکه بر نقش عوامل زیستی در تمایز نقش‌های پدری و مادری تأکید دارند و زنان را به سبب درک سریع‌تر نیازهای کودکان و حساسیت بیشتر به آن نیازها برای مراقبت از آن‌ها مناسب‌تر می‌دانند. آلیس رسی، با استناد به این واقعیت که زنان ذاتاً از نیازهای نوزادان، درکی سریع‌تر و به آن نیازها حساسیتی بیشتر دارند و با تأکید بر اینکه اتصال مادر به فرزندش جنبه زیست‌شناختی و ارتباط پدر با فرزندش جنبه اجتماعی دارد، نتیجه می‌گیرد که زنان، برخلاف مردان، دارای پیوند نزدیک‌تر و طبیعی‌تر با تربیت فرزندان هستند و بدین‌جهت، باید محیط طبیعی‌تر برای تربیت فرزندان فراهم کرد (بستان، ۱۳۸۵)؛ اما با تمام این توصیفات غالب افراد مکتب فمینیست نقش مادری را مانع برای زن در زندگی شخصی و اجتماعی دانسته و مادری را ابزاری برای تضعیف زنان در مقابل مردان می‌دانند که سبب سوءاستفاده مردان از جایگاه مادری شده است و نقش کارآمدی زن را در اجتماع کمرنگ کرده است.

یکی دیگر از تفکرات فمینیسم در مورد آزادی سقط‌جنین بوده که به امنیت جانی و روحی زنان ضررهای جبران‌ناپذیری را وارد می‌سازد. امروزه کشورها می‌کوشند با توجه به دلایلی که طرفداران آزادی مطلق سقط‌جنین برای اثبات مدعای خود آورده‌اند، از قبیل نجات جان مادر، سلامت جسمانی و روانی وی... در جهت آزادی نسبی سقط‌جنین، با در نظر گرفتن اوضاع خاص حاکم بر هر کشور، تعریف و در نظر گرفته می‌شود. از دیدگاه‌ها و قوانین بسیار محدودکننده در این مورد تا دیدگاه‌ها و قوانین بسیار باز را در برمی‌گیرد، مثلاً در کشورهای اسلامی به جهت تبعیت از دیدگاه‌های شرع، قوانین سقط‌جنین ممکن است تنها شامل نجات جان مادر شود، اما در کشورهای غربی حتی برحسب درخواست، اجازه داده شود؛ بنابراین تنها وجه مشترک در دیدگاه آزادی نسبی سقط‌جنین را می‌توان به این صورت بیان کرد که مبنای اولیه این دیدگاه بر پایه ممنوعیت مطلق سقط‌جنین استوار است، اما این ممنوعیت ممکن است تحت موقعیت‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و مذهبی در هر کشور برداشته شود. البته باید دانست که میزان استقبال دولت‌ها از دیدگاه و سعی در برداشتن محدودیت‌های سقط‌جنین در قوانین کشورها رو به گسترش است.

۳- روش‌شناسی

در این پژوهش از منظر آیات و روایات به بررسی خانواده، فرزند آوری و تقویت جایگاه مادری پرداختیم و از منظر قرآن کریم با روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی تحلیلی در مورد زنان و نقش مادری آن‌ها در خانواده در مقایسه با دیگر نظریات موجود مانند تفکر فمینیستی موردبحث و بررسی قرار دادیم و با آیات قرآن کریم به تحلیل مباحث پرداختیم.

۴- یافته‌ها

در پاسخ به مسائل مطرح شده فوق درباره توجه به روحیات آفرینشی زن قرآن به صراحت از این حقیقت، پرده برمی‌دارد: «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفسٍ واحدهٍ و خلق منها زوجها...» (نساء: ۱) ای مردم تقوا پیشه کنید در برابر خدا، آنکه شما را از یک تن بیافرید و از همان همسر او را پدید آورد... معنی آن این است که همسر آدم را از جنس او قرار داد نه از اعضای بدن او و طبق روایتی از امام باقر علیه السلام، خلقت حوا از یکی از دنده‌های آدم شدیداً تکذیب شده و تصریح شده که حوا از باقیمانده خاک آدم آفریده شده است. سپس در جمله بعد می‌فرماید: «خداوند از آدم و همسرش، مردان و زنان فراوانی به وجود آورد» از این تعبیر استفاده می‌شود که تکثیر نسل فرزندان آدم تنها از طریق آدم و همسرش صورت گرفته است و موجود دیگری در آن دخالت نداشته است.

سپس به خاطر اهمیتی که تقوا در ساختن زیربنای یک جامعه سالم دارد مجدداً در ذیل آیه مردم را به پرهیزکاری و تقوا دعوت می‌کند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۵۳). این آیه رابطه انسان‌ها را با خدا تنظیم می‌کند و هم پیوند آنان با یکدیگر را و می‌فرماید خداوند سبحان همه انسان‌ها را از یک نفس (اصل، ذات، ریشه، حقیقت و گوهر آفرید) و همه مردان و زنان حتی آدم و حوا از یک حقیقت‌اند و حقیقت این دو نیز یکی است؛ بنابراین مبدأ فاعلی همگان واحد و مبدأ قابل بر پایه برادری و برابری باشد تا زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند. اندیشه یکسانی و یگانگی ماهوی زن و مرد، اندیشه‌ای قرآنی است که از آیات الهی به روشنی دست می‌آید.

اوج گرایی و تکامل زن در تفکر قرآنی، هم‌پای مرد، تکامل‌پذیر و اوج‌گرا است و در پرتو شناخت و عمل به معراج می‌رود و به چکاد تعالی ممکن برای نوع انسانی دست می‌یابد. آیات قرآنی نسبت به آن صراحت دارد و قرآن هرگاه از کمالات و ارزش‌های والایی که انسان‌ها بدان می‌رسند، سخن می‌گوید، زنان را نیز همدوش و همسان مردان مطرح می‌کند: «ان المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات و القانتین و القانتات والصادقین و الصادقات و الصابرين و الصابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصائمات و الحافظین لفروجهن و الحافظات و الذاکرین الله کثیراً و الذاکرات اعد الله لهم مغفرةً و اجراً عظیماً.» (احزاب: ۳۵).

خدا برای مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مؤمن و زنان مؤمن و مردان اهل طاعت و زنان اهل طاعت و مردان راست‌گوی و زنان راست‌گوی و مردان شکیبیا و زنان شکیبیا و مردان خداترس و زنان خداترس و مردان صدقه‌دهنده و زنان صدقه‌دهنده و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار و مردان خویشن‌دار (در برابر غریزه جنسی) و زنان خویشن‌دار و زنان و مردانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند، آمرزش و پاداشی بزرگ آماده کرده است. از این آیه، علت تساوی عمل زن و مرد روشن می‌گردد که انسان کوشنده باید به اندازه کوشایی خویش پاداش گیرد و اگر تفاوتی میان تلاش زن و مرد باشد، ظلم است و خدای چنین ظلمی را روا نمی‌داند (مکارم-شیرازی، ۱۳۵۳). فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ... (آل‌عمران: ۱۹۵). خداوند، درخواست آن‌ها را پذیرفت؛ (و فرمود): من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد؛ شما هم‌نوعید و از جنس یکدیگر! آن‌ها که در راه خدا هجرت کردند و از خانه‌های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند و جنگ کردند و کشته شدند، به یقین گناهانشان را می‌بخشم؛ و آن‌ها را در باغ‌های بهشتی که از زیر درختانش نهرها جاری است، وارد می‌کنم. این پاداشی است از طرف خداوند؛ و بهترین پاداش‌ها نزد پروردگار است. از این آیه مبارکه، همسانی راه‌آوردهای این دنیایی عمل زن و مرد مطرح گردیده است. عمل صالح از هر جنس باشد، در سنت الهی، پیامد و ره‌آوردی یکسان دارد و نیز پاداشی یکسان در جهان دیگر دریافت خواهند کرد. در آیات دیگری نیز که از تکامل و اوج گرایی انسان سخن رفته، زن و مرد هر دو را شامل می‌گردد، گرچه با لفظ مذکر آمده باشد؛ زیرا این گونه تعبیرها چون: «یا ایها الذین آمنوا» خطاب به نوع انسانی است یعنی: «یا ایها الانسان» و این‌ها همه، زن و مرد را به یکسان دربرمی‌گیرد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۵۳).

در زنان، بعد عاطفی و احساسی نیرومندتر است و طبق تحقیق و تصدیق همه کارشناسان مربوط و متخصصان در ابعاد حیات زن، عواطف در زن قوی‌تر و شکوفاتر است و این نقصی در این بدنه از جامعه بشری نیست؛ بلکه ضرورت نیز هست. برای اهمیتی که موضوع فرزندداری و تربیت و خانواده دارد، بعد عاطفی در تکوین شخصیت فرزندان و سالم‌سازی محیط خانواده و گرمی آن، نقش اصولی دارد، بسیار بیشتر از نقش عقل‌گرایی خشک و حسابگرانه. از این‌رو زنان به‌عنوان هسته اصلی کانون خانواده و مربی اصلی فرزندان باید در این جهت از مردان، پیشرفته‌تر و تکامل‌یافته‌تر باشند و همین موجب می‌گردد که به مسائل پیچیده فکری و عقلانی گرایش کمتری داشته باشند و همواره حسابگرانه و عقلانی با مسائل برخورد نکنند؛ بلکه تن به هدایت عاطفه می‌دهند و به زندگی خانوادگی و اجتماعی گرمی و لطافت می‌بخشند. در این صورت پذیرش اینکه درک برخی مسائل خشک عقلی برای مردان آسان‌تر باشد، هیچ تحقیری در حق زنان را موجب نخواهد بود بلکه تفاوت‌های طبیعی، منشأ کارکردهای متفاوت طبیعی است و واجد ارزش یا ضدارزش از حیث انسانی و دینی نیست.

قرآن کریم درباره احسان و نیکی کردن به مادر تأکید بیشتری کرده است و بعضی از آیات احساسات و عواطف انسان را نسبت به مادر به شدت تحریک می‌کند و به او تذکر می‌دهد که لزوم شکرگزاری از مادر این است که او نه ما سنگینی تو را تحمل کرده است. انسان باید همیشه به یاد داشته باشد که مادر چه سختی‌هایی را در دوران بارداری تحمل می‌کند و در راه حفظ سلامتی او چه فداکاری‌هایی نموده است. حضرت مسیح اگرچه بدون پدر تولد یافت در مقام برشمردن افتخارات خود نیکوکاری نسبت به مادر را ذکر می‌کند و این خود دلیل روشنی بر اهمیت مقام مادر است. خداوند در قرآن از زبان ایشان می‌فرماید: «وَأَبْرَأُ بِالذَّاتِي وَ لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا» «خداوند مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و جبار و شقی قرار نداده است» (مریم: ۳۲).

حضرت عیسی فرمود خدا مرا به نیکوکاری وسیع و فراگیری به مادرم سفارش کرده است. بدیهی است آن حضرت با تعالیم الهی دریافت کرد که پدر ندارد، از این رو تنها از سفارش خدای رحمان به مادرش یاد کرده است (جوادی‌آملی، ۱۳۷۵) و نیز «مرا نیکوکار و قدر دان و خیرخواه، نسبت به مادرم» قرار داده است (وَأَبْرَأُ بِالذَّاتِي) و مرا جَبَّار و شقی قرار نداده است «وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا». در روایتی می‌خوانیم که حضرت عیسی علیه السلام می‌گوید: «قلب من نرم است و من خود را نزد خود کوچک می‌دانم» اشاره به این که نقطه مقابل جَبَّار و شقی این دو وصف است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۵۳). در معارف اسلامی اهمیت فوق‌العاده‌ای به مقام مادر داده شده است حتی در کتاب و سائل بابی به این امر اختصاص داده شده به نام «باب استحباب الزیاده فی برّ الأم علی برّ الأب» (حرعاملی، ۱۳۸۵).

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا به چه کسی نیکویی کنم فرمود: «به مادرت، عرض کرد بعد از او به چه کسی؟ فرمود: به مادرت، بار سوم عرض کرد بعد از او به چه کسی؟ فرمود: به مادرت، در چهارمین بار که این سؤال را تکرار کرد فرمود: به پدرت.» (حرعاملی، ۱۳۸۵). اسلام تنها مکتب و بهترین مکتبی است که برای مادر عالی‌ترین ارزش‌ها را قائل است. اسلام برای مادر مقام و ارزش خاص قائل شده است تا آنجا که رسیدن به آخرین مرحله‌ای کمال و جهان ابدیت یعنی بهشت را در صورت رضایت مادر امکان‌پذیر می‌داند. پیامبر ۹ در روایتی فرمودند: «بهشت زیر پای مادران است.» (نوری، ۱۴۰۸). مهم‌ترین عاملی که میان افراد خانواده رأفت و گذشت و ایثار را زنده می‌کند تجلی روح مادر در خانواده است زیرا پدر به استناد آیه ۳۴ سوره نسا عهده‌دار کارهای اداری و اجرایی خانواده است و اساس خانواده که بر مهر و وفا و پیوند پی‌ریزی شده است به عهده مادر است. چون مادر مبدأ پیدایش و پرورش فرزندان است که هر یک به دیگری وابسته‌اند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷).

قرآن کریم ضمن سفارش به گرمی داشتن پدر و مادر زحمات مادر را که زایمان و شیر دادن است و منشأ اصلی آن‌ها را در رحم هست یادآور می‌شود (احقاف: ۴۶) و حضرت امام زین‌العابدین علیه السلام در رساله حقوق که لزوم رعایت حقوق ارحام را به مقدار پیوستگی و قرابت به رحم بیان فرموده است اولین حق را در نظام خانوادگی به مادر داده آنگاه از حق پدر سخن به میان آورده است. عظمت مقام مادر به‌گونه‌ای هست که حتی هنگام نماز مستحبی اگر پدر تو را خواند نماز را قطع نکن و اگر مادر تو را خواند نماز را قطع کن. قطع نافله حرام نیست لیکن در حالت جوازی قطع یا رجحان آن یکسان نیست؛ و از این جهت نیکی به مادر افضل از احسان به پدر است؛ که تحمل رنج‌های فراوان برای اوست. نیز گرمی داشت خاله (خواهر مادر) در نبود و فقدان مادر به‌منزله تکریم مادر تلقی شده است (نوری، ۱۴۰۸). خداوند وقتی احترام به والدین را مطرح می‌کند علاوه بر آیاتی که به‌صورت مشترک در کنار اطاعت و عبادت خود بر احترام به والدین سفارش می‌کند آیاتی را برای گرمی داشت مقام مادر جداگانه نام می‌برد؛ و با همه تجلی‌ها مشترک هنگام یاد از زحمات پدر و مادر فقط از زحمات مادر سخن می‌گوید (همان) در سوره احقاف آیه ۱۵ زحمات و خدمات دشوار مادر را دوران بارداری، زایمان، شیردهی ذکر می‌کند و اشاره به زحمات پدر نمی‌کند بنابراین آیات قرآن در حق‌شناسی از والدین دو قسم است: آیات حق‌شناسی مشترک از پدر و مادر و آیات مخصوص حق‌شناسی مادر. قرآن کریم از پدر درباره حکم خاصی بیان می‌کند فقط برای بیان وظیفه است. نظیر: «آیه ۲۳۳ سوره بقره خوراک و پوشاک مادران به‌طور شایسته بر عهده پدر فرزند است.» (بقره: ۲۳۳) ولی هنگام تجلیل و بیان زحمات تنها نام مادر را ذکر می‌کند (جوادی‌آملی، ۱۳۷۵).

خداوند متعال پس از سفارش به احترام پدر و مادر زحمات فوق‌العاده مادر و ایثارگری‌های او را خاطر نشان ساخت و می‌فرماید: «مادر او را با اکراه و ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و شیر باز گرفتنش سی ماه است.» (آلوسی، ۱۴۱۵).

همچنین در سوره اعراف می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّهَا حَمَلًا خَفِيًّا فَهَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثَقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبُّهَا لَنْ يَأْتِيَنَا صَالِحًا لَنُكُونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ» «او خدائی است که شما را از نفس واحدی آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیساید سپس هنگامی که با او نزدیکی کرد حملی سبک برداشت که با وجود آن به کارهای خود ادامه می‌داد و چون سنگین شد هر دو از خداوند و پروردگار خویش خواستند [که فرزند صالحی به آنان دهد و عرضه داشتند] اگر فرزند صالحی به ما دهی از شاکران خواهیم بود.» (اعراف: ۱۸۹).

این آیه شریفه دردهای و مصیبت‌های مادر را که در پرورش و تربیت فرزند تحمل می‌کند خاطر نشان می‌سازد و به این وسیله منتهای توصیه را در ادای حق او می‌نماید.

بعضی متفکران مسلمان، بر اساس درک و تفسیری که از متون دینی داشته‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که مسئله‌ی فرزندآوری و تولید نسل تنها دلیل تشکیل دهنده خانواده است که موجب می‌شود تا انسان به سمت ازدواج و تشکیل خانواده کشانده شود. علامه طباطبایی با تأکید بر فطری بودن و طبیعی بودن موضوع ازدواج و تشکیل خانواده کارکرد تولیدمثل را تنها سبب فطری پیوند زناشویی دانسته است (طباطبایی، ۱۳۸۴) و علت‌های دیگر را دور از خواسته‌ی فطری انسان به‌عنوان علتی برای تشکیل خانواده دانسته است. وی در این زمینه بیان می‌کند که:

«عامل ازدواج تولیدمثل و پرورش فرزند است و مسئله نیاز جنسی و یا اشتراک در کارهای زندگی چون کسب و زراعت و جمع کردن مال، تدبیر غذا و وسایل خانه و اداره‌ی آن، اموری است که از چهارچوب غرض طبیعت و خلقت خارج است و تنها جنبه‌ی مقدماتی دارد و یا فواید دیگری غیر از غرض اصلی بر آن مترتب می‌شود.» (همان).

اما برخی از اندیشمندان مسلمان با دقت در آیات و روایات به این نتیجه رسیده‌اند که انگیزه انسان در تشکیل خانواده عوامل متعددی دارد که با روح آیات و روایات سازگارتر است و تنها با نگاهی مادی‌گرایانه به امر مقدس ازدواج و علت آن ننگریسته‌اند و علاوه بر نیاز مادی به ابعاد روانی و روحی نیاز انسان نیز توجه کرده‌اند و فقط انگیزه تشکیل خانواده را تولیدمثل و فرزندآوری بیان نکرده‌اند بلکه وجود امور روانی را نیز در تشکیل خانواده مؤثر دانسته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۷۷)؛ اما با این وجود مسئله تولیدمثل و فرزندآوری انسان از اساسی‌ترین رکن در امر ازدواج و جهت‌گیری درباره‌ی تشکیل خانواده است بنابراین تعبیرهایی که درباره تولیدمثل در آموزه‌های قرآن ارائه شده است ارزش‌گذاری کاملاً مثبتی را بیان داشته است امنیت در نگاه قرآن کریم عبارت است از: امنیت نقطه مقابل خوف است.

«و ضرب الله مثلاً قريةً كانت آمنة مطمئنةً يأتونها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بأنعم الله فأذاقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون.» «و خدا بر شما حکایت کرد و مثل آورد (تا گوش کرده و عبرت گیرید) مثل شهری را (چون شهر مکه) که در آن امنیت کامل حکم‌فرما بود و اهلس در آسایش و اطمینان زندگی می‌کردند و از هر جانب روزی فراوان به آن‌ها می‌رسید تا آنکه اهل آن شهر نعمت خدا را کفران کردند خدا هم به‌موجب آن کفران و معصیت طعم گرسنگی و بیمناکی را به آن‌ها چشاند.» (نحل: ۱۱۲).

این آبادی آن‌چنان امن و امان بود که ساکنانش «با اطمینان در آن زندگی داشتند» و هرگز مجبور به مهاجرت و کوچ کردن نبودند. علاوه بر نعمت امنیت و اطمینان، «انواع روزی‌های مورد نیازش به‌طور وافر از هر مکانی به‌سوی آن می‌آمد. اما سرانجام این آبادی (ساکنانش) کفران نعمت‌های خدا کردند و خدا لباس گرسنگی و ترس را به خاطر اعمالشان بر اندام آن‌ها پوشانید» در حقیقت همان‌گونه که در آغاز، نعمت امنیت و رفاه تمام وجود آن‌ها را پر کرده بود، در پایان نیز بر اثر کفران، فقر و ناامنی به‌جای آن نشست (مکارم‌شیرازی، ۱۳۵۳).

نکته‌ای که قرآن بارها به‌عنوان حقیقت اسلام بدان اشاره کرده و از مردمان می‌خواهد تا در سایه اسلام آن را تحقق بخشند، رهایی از هرگونه تهدید به‌ویژه جنگ و خونریزی در میان بشر است تا این‌گونه، امنیت کامل را رقم زنند؛ چراکه از نظر قرآن تهدیداتی چون جنگ برخاسته از رفتارهای شیطانی و همگامی با او است (جوادی‌عاملی، ۱۳۷۵).

آسایش، رفاه، پیشرفت جامعه و امکان توزیع عادلانه ثروت بر امنیت؛ امنیت بر ایمان مبتنی است و فرد و جامعه بریده از ایمان به امنیت نمی‌رسند (بقره: ۱۲۶، نحل: ۱۱۲ و قصص: ۵۷). چنانکه علامه طباطبایی ذیل آیه «الَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸) انسان، بی‌نهایت طلب است و کمال مطلق می‌خواهد، ولی چون هر چیزی غیر از خداوند محدود است و وجود عارضی دارد، دل را آرام نمی‌گرداند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حدیثی فرموده‌اند: «بهترین جا برای سکونت جایی است که ساکنین آن در امنیت باشند» (حسینی دشتی، ۱۳۷۹).

از منظر احادیث امنیت از چنان اهمیتی برخوردار است که موضوع عدالت که از والاترین ارزش‌های الهی و انسانی است نسبت به آن در درجه دوم قرار دارد، چراکه تا امنیت و آرامش در جامعه‌ای برقرار نباشد، برقراری عدالت نیز غیرممکن است. از این رو پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«وطنی که امنیت و شادی در آن نیست خیری در آن نیست.»

از منظر قرآن کریم، مال و فرزندان دو رکن اصلی سرمایه‌های زندگی و قدرت انسان «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» و زیرساخت دو مؤلفه مهم «نیروی اقتصادی» و «نیروی انسانی» به‌عنوان تعیین‌کننده اقتدار هر جامعه و کشوری به شمار می‌آیند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۵۳). بر این اساس فرزند آوری و افزایش جمعیت از حالت فردی خارج و به راهبرد مهم امنیتی اجتماعی تبدیل می‌شود.

قرآن کریم در آیات متعدد از فرزند به‌عنوان زینت یاد کرده است از جمله آیه ۴۶ سوره کهف می‌فرماید:

«الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ أَمَلًا»

«مال و فرزندان زیور زندگی دنیایند و (تنها) نیکی‌های ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت خوب و از نظر آرزومندی (نیز) نیک است.»

این آیه موقعیت مال و ثروت و نیروی انسانی را که دو رکن اصلی حیات دنیاست در این میان مشخص کرده، می‌گوید: «اموال و فرزندان زینت حیات دنیا هستند» (الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا). در حقیقت در این آیه به دو قسمت از مهم‌ترین سرمایه‌های زندگی دنیا اشاره شده است که بقیه به آن وابسته است، «نیروی اقتصادی» و «نیروی انسانی» چراکه برای رسیدن به هر مقصودی از مقاصد مادی حتماً این دو نیرو لازم است و به همین دلیل آن‌ها که بر تخت قدرت می‌نشینند سعی در جمع‌آوری این دو نیرو می‌کنند، مخصوصاً در زمان‌های گذشته هر کس فرزندان بیشتری داشت خود را نیرومندتر احساس می‌کرد، چراکه آن‌ها یکی از دو رکن اصلی قدرت او را تشکیل می‌دادند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۵۳).

اگر زنان از تفکرات فمینیسم پیروی کنند و از آوردن فرزند خودداری نمایند امنیت خود را به خطر می‌اندازند، زیرا منابع انسانی فعال و پراکنجه (اعم از نظامی، انتظامی و اطلاعاتی) سبب امنیت و اقتدار هر کشوری است چنانکه پایین آمدن نرخ رشد جمعیت سبب کاهش نیروی جوان و افزایش سالمندان شده و قدرت دفاعی آن کشور را در برابر تهدید و تهاجم نظامی بیگانه آسیب‌پذیر کرده و مطالبات دشمن را بر جامعه تحمیل می‌کند. از این رو آیه: «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...»، «در برابر آن‌ها (دشمنان) آنچه توانائی دارید از (نیرو) آماده سازید...» (انفال: ۶۰). امر به اعداد و تهیه نمودن هر نیرویی است (شهید صدر، ۱۴۱۷) و لفظ «تُرْهَبُونَ بِعَدُوِّ اللَّهِ وَ عَدُوِّكُمْ» (انفال: ۶۰) به منزله علت است، یعنی وجوب توسعه قدرت و منابع انسانی برای این است که دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید. پس هر چه به‌وسیله آن ترساندن حاصل شود، مصداق آیه است (قمی، ۱۴۱۳).

در این آیه با خطاب به نظام اسلامی به آمادگی گسترده و همگانی دستور می‌دهد، چون از سویی امر به انجام دادن کاری مهم، به دیده عقلی، دستور فراهم‌سازی مقدمه آن است و از سوی دیگر مسلمانان بدانند توکل بر خدا توسل بر اسمای و اولیا و ناتوان بودن دشمن در برابر قدرت حق و هرگز آنان را از وظیفه اصلی خودشان باز نمی‌دارد (جوادی عاملی، ۱۳۷۵).

در روایات کلمه «قوه»، چنانکه به اسلحه مانند تیر، (حویزی، ۱۴۱۵) شمشیر و سپر (همان) تفسیر شده است، به خضاب سیاه (ابن-بابویه، ۱۴۱۳) نیز تفسیر شده است تا با جوان‌تر نمایاندن چهره سرباز بزرگسال، دشمن مرعوب گردد؛ و این نشان توجه آیه به تأمین نیروی دفاعی جوان است. بر این اساس افزایش قدرت در تمام ابعاد آن از جمله نیروی ج، از تکالیف شرعی جامعه اسلامی به شمار می‌رود زیرا امروز جمعیت جوان از مؤلفه‌های تعیین قدرت و اقتدار کشور و ابزاری مهم برای مقابله با تهدیدات دشمنان است؛ و به‌طور یقین فرزند آوری مصداق بارز اعداد و فراهم نمودن نیرو و قدرت برای بازدارندگی دشمن است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۵۳).

همچنین با عدم فرزند آوری امنیت اقتصادی آنان نیز به خطر می‌افتد زیرا با توجه به اینکه اندازه نیروی کار و کیفیت آن در توسعه اقتصادی نقش اساسی دارد و باید ساختار جمعیت کشور به سمت نیروی جوان حرکت کند و پایین هرم جمعیت گسترده‌تر شده تا نسل جوان بیشترین رقم جمعیت را تشکیل دهد، فرزند آوری نقش زیر بنایی در توسعه کشور دارد.

مطرح کردن مشکلات اقتصادی و تنگدستی خانواده‌ها به‌عنوان مانع فرزند دار شدن؛ افزون بر آنکه با راهبرد توسعه اقتصادی و حرکت تمدنی در تعارض است، با مبانی اعتقادی استفاده شده از قرآن کریم نیز همسوئی ندارد. چنانکه خداوند در سوره اسراء آیه ۳۱ کشتن فرزند را به دلیل تنگدستی، خطای بزرگ و مخالف باور به رزاقیت خداوند دانسته است. «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا»، «و فرزندانتان را از ترس فقر به قتل نرسانید ما آن‌ها و شما را روزی می‌دهیم مسلماً قتل آن‌ها گناه بزرگی است.» (اسراء: ۳۱) و در آیه ۱۵۱ سوره انعام نیز، افزون بر آن، کشتن فرزندان را در ردیف شرک به خداوند قرار داده است. «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ» «بگو بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و فرزندانتان را از [ترس] فقر نکشید.» (انعام: ۱۵۱) چنانکه عرب جاهلی دختران را به خاطر تعصب‌های غلط، زنده‌به‌گور می‌کردند و پسران را نیز که سرمایه جامعه آن روز بودند، از ترس فقر به قتل می‌رساندند، در عصر ما نیز به شکل‌های وحشتناک‌تر و گسترده‌تری به بهانه ناتوانی در تغذیه، پرورش و دلایل بی‌اساس دیگر، کودکان را در جنین از طریق «کورتاژ» و ... می‌کشند. حال آنکه کاهش جمعیت به هر توجیهی، خلاف باور قرآنی به رزاقیت خداوند (زاریات: ۲۲ و ۲۲۶) و امنیت اقتصادی است.

در آیه ۱۵۱ سوره انعام خدای سبحان در احکام و اصول ده‌گانه مشترک میان همه انبیا و امت‌ها را بیان می‌کند که یکی از آن‌ها نهی از کشتن فرزندان بر اثر فقر و تنگدستی، چون روزی دهنده آنان و فرزندانشان خدا هست (جوادی عاملی، ۱۳۷۵).

فقر اقتصادی در جامعه ننگ و نقص و نتیجه عملکرد بد خود انسان و حاکمان جور است و گرنه رزق الهی نامحدود و نامتناهی است و خدا نیز برای همه روزی فراهم کرده و روزی همه بندگان را به‌موقع نازل می‌کند البته انسان باید برای به دست آوردن آن بکوشد. اگر رازق تنها خداست پس کشتن فرزند برای ترس از فقر اقتصادی حرام و گناهی بزرگ است (جوادی عاملی، ۱۳۷۵).

تجارب بشری نشان می‌دهد که جمعیت زیاد، در مدیریت کارآمد اقتصادی نه‌تنها تهدید نیست که فرصت است. چنانکه کشور چین با بیش از ۱.۴۰۰.۰۰۰.۰۰۰ جمعیت، اقتصاد اول جهان را دارد و آمریکا با سیصد میلیون جمعیت از رشد اقتصاد چین هراسناک است. پس اگر جمعیت زیاد به‌درستی هدایت گردد، تولید و رفاه بیشتری نیز در پی دارد. جالب آنکه قرآن کریم زوال فقر را در گرو ازدواج دانسته که به‌صورت طبیعی فرزندان را در پی خواهد داشت. «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا قُرَّاءًا يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»، «و مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آن‌ها را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد خداوند وسعت دهنده و آگاه است.» (نور: ۳۲) «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ

الْفَقْرَ وَ يَاْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَ اللّٰهُ يَعْذِبُكُمْ مِّنْهُ وَ فَضْلًا وَ اللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» و وعده فقر و تنگدستی و در کنار آن امر به فحشا را سیاستی شیطانی معرفی نموده است...» (بقره: ۲۶۸) بر این اساس کاهش جمعیت افزون بر آنکه منجر به آسیب رساندن به صنعت، تولید و اقتصاد می‌شود، مثل کاهش ازدواج سیاستی شیطانی و سبب افزایش آمار فحشا خواهد بود.

در آیه ۳۲ سوره نور در جریان تشکیل خانواده و نکاح که آدمی تشکیل یک خانواده بزرگ و امت اسلامی از چندین مطلب را به‌صورت حکم الهی بیان فرمود که یکی از آنها این است که فرمود پدر و مادر دو طرف، همچنین جامعه مسئول تأمین ازدواج جوان‌ها چه دختر و چه پسر هستند که در سن نکاح‌اند (جوادی عاملی، ۱۳۷۵).

در آیه ۶ سوره هود به تراز بودن خدای سبحان نسبت به هر موجودی اشاره دارد و اصل جامع و کلی درباره آنها را چنین بیان می‌کند. هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه خدای سبحان عهده‌دار روزی اوست. خدای رازق، روزی همه جنبندگان را تأمین می‌کند، حیوان باشد یا انسان (جوادی عاملی، ۱۳۸۷).

قرآن کریم، به‌عنوان کتاب هدایت و راهنمای انسان‌ها به‌سوی بهترین شیوه زندگی به همه نیازهای معرفتی انسان‌ها پاسخ مثبت داده است، بنابراین در مواجهه با مسئله سقط‌جنین نیز باید فصل الخطاب تلقی شده و موضوع آن در مبحث سقط‌جنین مورد توجه خاص قرار گیرد با این فرضیه لازم به نظر می‌رسد که مسئله سقط‌جنین از دیدگاه قرآن مورد مطالعه و نقد و بررسی قرار گیرد. باوجود آنکه دیدگاه آزادی مطلق سقط‌جنین نیز دیدگاه افراطی به نظر می‌رسد و بسیاری از نظریه‌پردازان اخلاقی به‌منظور دفاع از حق حیات جنین، انجام دادن چنین عملی را پیوسته نکوهش می‌کنند، در میان کشورهای جهان، تمایلی برای رفع محدودیت‌های موجود بر سر راه آزادی سقط‌جنین دیده می‌شود. این دیدگاه می‌کوشد با تشریح وضعیت سقط‌جنین در سطح جهان، توجه به نظریات و یافته‌های جرم‌شناسان و ناکارآمدی سیاست‌های ممانعتی بر سر راه آن، آزادی مطلق سقط‌جنین را ترغیب کند و آن را به‌صورت قانونی درآورد. از نظر طرفداران این دیدگاه در زندگی روزمره مردم همواره موقعیت‌هایی پیش می‌آید که حتی برای محترم‌ترین افراد جامعه گریزی جز اقدام به این عمل نیست و مقررات هم حتی به‌وسیله چنین آزادی نقض و زیر پا گذاشته می‌شود. کدام خانواده تحمل دارد بارداری دختر کم سنی که از تجاوز به عنف و یا توسط محارم باردار شده به ثمر برسد و یا زمانی که خانواده‌ای می‌بیند در صورت ادامه بارداری جان مادر یا سلامت وی (اعم از جسمانی و روانی) در معرض خطر است چه چیزی می‌تواند آن خانواده را وادار نماید که در مقابل این کار اقدامی ننمایند؟ ناهنجاری‌های جنینی و ناقص‌الخلقه به دنیا آمدن و موارد بی‌شماری دیگر، از جمله مواردی هستند که در صورت اقدام به سقط‌جنین، نه تنها مادر دچار ناراحتی و عذاب وجدان نمی‌شود، بلکه جامعه نیز او را به خاطر انجام دادن چنین عملی ملامت نخواهد کرد.

همچنین مسائل اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی جامعه امروز، به‌گونه‌ای است که زنان باردار تحت فشار روحی قرار می‌دهد. چنین اضطراب‌هایی گاه حتی ممکن است به خودکشی نیز بینجامد و اگر هم خود را نکشد، جنین خود را از بین خواهد برد. افزایش جمعیت هم برای برخی کشورها جزء معضلاتی است که جهت رهایی از زیر بار مشکلات و عوارض فراوان آن چاره‌ای جز کنترل فرزندان وجود ندارد. با تجربه ثابت شده قاطع‌ترین روش کنترل همان سقط است. حتی اگر اقدام به سقط‌جنین بر حسب تقاضا و درخواست زن یا زن و شوهر به دلایلی همچون شکست در پیش‌گیری از بارداری، ابتلای مادر به بیماری ایدز، کم سن بودن مادر باردار باید اجازه چنین سقط‌هایی داده شود. از طرفی ممنوعیت سقط‌جنین هم هیچ‌گاه تأثیر قطعی نداشته و با وجود قوانین و مشکلات ناشی از ممنوعیت این امر آشکار و نهان در حال جریان است. افزون بر این ممنوعیت سقط، موجب افزایش سقط‌های پنهانی در وضعیت‌های غیربهداشتی و در نتیجه افزایش مرگ‌ومیر مادران باردار می‌شود. در کنار این دلایل، طرف داران این نظریه از دیدگاه‌های اخلاقی نیز بهره می‌گیرند. توضیح آن‌که طبق برخی نظریه‌های اخلاقی مانند نظریه‌های اخلاقی مکتب اصالت:

«فایده یا سودگرایی حتی اگر جنین را یک انسان بدانیم، اصل سوددهی می‌تواند سقط‌جنین را توجیه کند، به‌طورکلی، صرف‌نظر از هرگونه ملاحظات اگر به نظر برسد که بچه‌دار شدن نسبت به سقط‌جنین ناراحتی‌های بیشتری را ایجاد می‌کند این کار درست خواهد بود.»

به نظر این‌ها، بخشی از بدبختی‌های بشر، ناشی از بارداری‌های ناخواسته و صدمه بدنی به زنانی است که مجبور بوده‌اند فرزندان کثیری در فواصل کوتاه بزایند. به جز نظریات اخلاقی این مکتب، نظریه‌های دیگری مانند نظریه‌های کانت، راس و رالز در این باره به استقلال و خودمختاری افراد توجه کرده‌اند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

هر فرد در زندگی خویش آزاد است و به نظر می‌رسد تعمیم این اصل به‌منظور به کار بردن آن در مورد بدن او معقول باشد. در این صورت این حق زن است که تصمیم بگیرد آیا بچه‌دار شود یا خیر. پس اگر او ناخواسته حامله شده است می‌تواند قانوناً سقط‌جنین را انتخاب کند. از دیدگاه‌های سودگرایی و نظریه‌های کانت و راس در توجیه سقط‌درمانی، سقط در موارد ناهنجاری جنین و سایر موارد استفاده شده است. وقتی زندگی یا سلامت مادر در خطر است. سقط‌جنین نوعی دفاع از خود است.

کانت و راس بر این عقیده‌اند که: «ما حق داریم از خودمان مراقبت کنیم، حتی اگر به معنای کشتن فرد دیگر باشد.» از نظر سودگرایی: «حفظ زندگی خود کار درستی است، چراکه زنده ماندن لازمه هرگونه شادمانی است. همچنین در صورتی که با کشتن جنین ناقص‌الخلقه، او را از یک زندگی توأم با رنج و درد برهانیم و مشکلات خانواده و جامعه را به حداقل برسانیم، در این صورت سقط‌جنین کاری مجاز و مشروع خواهد بود.»

بنابراین سودگرایی و نظریه‌های مشابه آن، مشروعیت قوانین منع سقط‌جنین را با توجه به تأثیرات آن حل می‌کند، یعنی در صورتی که این قوانین، شادی عمومی جامعه را افزایش می‌دهد. درست است و در غیر این صورت درست نیست. این نشانه عظمت زن است که خداوند مسئولیت او را در حفظ خاطرات، اندیشه‌ها، عقاید و اخلاق بیش از مرد دانسته است؛ از این رو باید مواظب افکار و اندیشه‌هایش باشد چون بسیاری از مسائل از راه اندیشه به فرزند می‌رسد به همین جهت است که مقام مادر جایگاه ویژه‌ای دارد. چون او موظف به اصلاح خود و فرزندش است. مادری که می‌داند اندیشه‌های او در کودک اثر می‌گذارد بینش‌های خود را تعالی بیشتری می‌بخشد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت نگاه اسلام به مادری دو جنبه دارد تکلیفی و حقوقی از نظر تکلیف حساس‌ترین و مهم‌ترین تکالیف بر عهده مادر است به‌گونه‌ای که مادری را می‌توان رسالت دانست؛ زیرا نقش خطیر مادری انسان‌سازی است. رسالت مادری شامل دوره طولانی است که از نخستین لحظه حضور نطفه در رحم آغاز می‌شود و تا سال‌های طولانی پس از تولد فرزند ادامه می‌یابد. در این دوره طولانی شخصیت فرزندان در دامن مادران شکل می‌گیرد بدین جهت است که اسلام توصیه‌های فراوانی درباره دوران بارداری و زایمان خطاب به زنان بیان داشته است جنبه دوم نگاه اسلام به مادری حقوق مادری است که اسلام در این جامعه نیز حقوق بی‌ظنیر و بی‌بدیل را برای مادران قائل شده است در اسلام از مادران به‌گونه‌ای تجلیل شده است که از هیچ‌کس دیگر تا به این حد تجلیل نشده است شاید علت این همه تأکید آن باشد که از نگاه اسلام مادر محور خانواده است و اسلام می‌خواهد پیوند فرزندان با محور خانواده استوار گردد و از این طریق نظام خانواده پایدارتر گردد (حکیمی، ۱۳۸۱).

۶- منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۳- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: مهارت.

- ۴- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: منشورات محمد علی بیضون.
- ۵- بستان، حسین (۱۳۸۵). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۶- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). زن در آئینه جلال و جمال. قم: نشر اسرا.
- ۷- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). تفسیر تسنیم. قم: نشر اسرا.
- ۸- چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۸۸). خانواده اسلام و فمینیسم تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- ۹- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۵). اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- ۱۰- حسینی دشتی، مصطفی (۱۳۷۹). معارف و معاریف: دایره‌المعارف جامع اسلامی. تهران: موسسه فرهنگی آرایه.
- ۱۱- حکیمی، محمد (۱۳۸۱). دفاع از حقوق زنان. تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۲- حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
- ۱۳- زیبایی نژاد، محمدرضا (۱۳۸۲). مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای. تهران: سروش.
- ۱۴- شهید صدر، محمدباقر (۱۴۱۷ق). اقتصادنا. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۵- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۴). زن در اسلام. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی.
- ۱۶- قمی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). جامع الشتات. تهران: موسسه کیهان.
- ۱۷- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه‌ی آموزش و پژوهشی امام خمینی.
- ۱۸- معصومی، مسعود (۱۳۷۸). فمینیسم در یک نگاه. قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته.
- ۱۹- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ۲۰- میشل، آندره (۱۳۸۳). جنبش زنان «فمینیسم». تهران: نیکا.
- ۲۱- نجم‌آبادی، افسانه (۱۳۷۴). در دل دوست به هر حيله رهي بايد كرد. آمریکا: نیمه دیگر.
- ۲۲- نوری، حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت.

Women, Family, Childbearing in Strengthening the Position of Motherhood

Nahidjavidi al-Saadi¹, Seyed Ali Mousavi Nasab^{2*}

1- Master's degree, Qur'an and Hadith Sciences, Payam Noor Fasa University, Fasa, Iran.

Nahidjavidi96@gmail.com

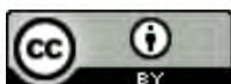
2-Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Theology, Payam Noor Fasa University, Fasa, Iran. (Corresponding Author)

Seyedali770@pnu.ac.ir

Abstract

One of the most fundamental needs of any society for its survival is the reproduction of the generations. The issue of women, as a vital part of human society, deserves the same level of scrutiny and deep analysis as the human condition itself. Any analysis of women's life dimensions, excluding gender characteristics, equates to an analysis of human life. Therefore, understanding a woman's status and dignity is essentially understanding human dignity. It is also indisputable that knowledge of oneself is a benchmark for other knowledge. Considering that half of the population consists of women, and they play crucial roles in various societal domains, including the family and child-rearing, which form the foundation of society, addressing women's issues as social and human capital is of utmost importance. If women shy away from marriage and childbearing, the population will decline, and the human race will face the risk of extinction. This study examines women, family, childbearing, and strengthening the position of motherhood from the perspective of the Holy Qur'an using the library research method and an analytical-descriptive approach. The findings indicate that attention to women's intrinsic qualities, gender justice, and social security in society can significantly impact childbearing and family dynamics. Conversely, the major obstacle is the adherence to feminist thinking, which can undermine the roles of motherhood and childbearing.

Keywords: Family, Childbearing, Strengthening motherhood, Feminist Thinking.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)